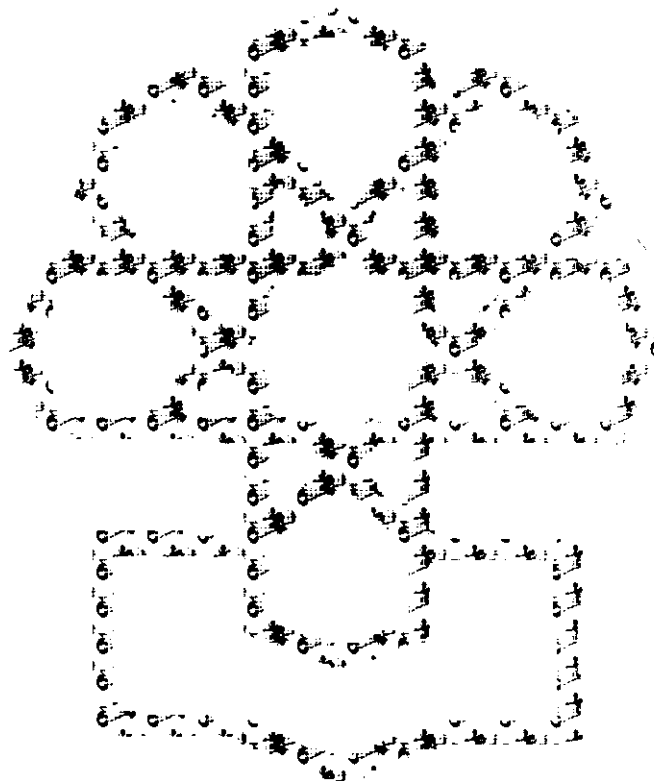


۲۰۵ ۱۷



۴۲۳۴  
X

# تأملی بر درآمدهای دولت در لایحه بودجه ۱۳۷۸



معاونت پژوهشی

دی ۱۳۷۷

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

این نوشتار بنا به تقاضای آقای پیش بین نماینده محترم مردم بافت تهیه و تدوین گردیده است

کد گزارش: ۱۶۰۴۲۳۴

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی  
دفتر واحد اسناد و کتابخانه ملی  
شماره: ۱۵۹۸  
تاریخ: ۷۸/۱/۲۹

در ابتدا لازم می‌دانم از ریاست محترم جمهور و همکاران‌شان در هیئت دولت به خاطر ارائه بودجه در فرصت قانونی آن تشکر نمایم.

در ارتباط با لایحه بودجه سال ۱۳۷۸، نکاتی به نظر می‌رسد که لازم دانستم خدمت دوستان عرض نمایم. با توجه به محدودیت وقت عرایضم را در یک مقدمه کوتاه و دو محور اصلی بیان می‌نمایم. به عنوان مقدمه در مورد لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ باید عرض کنم که این لایحه در حالی به مجلس ارائه شد که قیمت نفت به پایین‌ترین میزان خود در طی ۲۰ سال گذشته رسیده است.

این کاهش قیمت به علت این که درصد بزرگی از درآمدهای دولت را درآمد نفتی تشکیل می‌دهد بیشترین تأثیر را بر وضعیت اقتصادی کشور دارد. بنابراین باید به هر نحو ممکن سعی شود که اتکای اقتصاد کشور به این محصول را کم کرد و سعی شود که منابع درآمدی دیگر در نظر گرفته شود که خوشبختانه امسال در لایحه به این مهم توجه شده است و اتکای بودجه به درآمدهای نفتی نسبت به سال گذشته کاهش یافته است و درآمدهای دیگری در نظر گرفته شده است. اما به نظر می‌رسد این درآمدها به طور کامل محقق نشود. در ادامه مروری فشرده خواهم داشت بر چگونگی این درآمدها.

۱- درآمدهای نفتی حدود ۲۰ درصد از درآمدهای دولت در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ را تشکیل می‌دهد. قیمت نفت در لایحه و بودجه حدود ۱/۸ دلار برآورد شده است که به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت فعلی بازار این درآمد محقق نشود. باید توجه داشته باشیم که هر یک دلار از قیمت که محقق نشود حدود ۸/۵ درصد بر کل درآمدهای نفتی اثر خواهد گذاشت و تأثیر منفی آن بر کل درآمدهای دولت ۱/۷ درصد خواهد بود. یعنی باعث ایجاد حدود ۱۷۹۰ میلیارد ریال کسر بودجه خواهد شد و اگر بیشتر از یک دلار باشد که افزون بر این رقم خواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد که باید در این زمینه تجدیدنظر نمود و قیمت را حدود ۲ دلار پایین‌تر تعیین کرد. به نظر می‌رسد قیمت ۱۰ دلار با توجه به شرایط فعلی بازار قیمت واقعی‌تری است.

۲- نکته بعدی که در همین زمینه باید به آن اشاره نمایم مسئله درآمدهای مالیاتی است. درآمدهای مالیاتی لایحه در بودجه سال ۱۳۷۸ حدود ۲۷/۳ درصد از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد. این رقم که نسبت به سال جاری حدود ۵۴ درصد افزایش دارد به نظر نمی‌رسد قابل تحقق باشد. دلیل این مسئله را می‌توان نبود یک سیستم مالیاتی دقیق و پویا عنوان نمود.

در مورد مالیات شرکت‌های دولتی و همچنین شرکت‌های تولیدی بخش خصوصی نیز باید بگویم که با توجه به وضعیت رکود اقتصادی فعلی این شرکت‌ها حتی قادر به پرداخت مالیات به میزان فعلی نیز نمی‌باشند. در حالی که دولت تصمیم گرفته است که مالیات بیشتری از آنها اخذ نماید. کمبود نقدینگی وضعیتی را پیش روی این شرکت‌ها گذاشته است که بعضاً حتی قادر به پرداخت حقوق پرسنل خویش نیز نمی‌باشند. حال در این شرایط ما چگونه می‌خواهیم آنها را وادار به پرداخت مالیات آن هم به میزان قابل

توجهی بیش از سال‌های قبل نماییم مسئله‌ای است که جای تأمل و بررسی بیشتر دارد.

۳- مسئله بعدی که تا حدودی نیز بحث‌انگیز بود مسئله افزایش جهشی قیمت بنزین تا ۷۵۰ ریال بود که خوشبختانه کمیسیون اصلی بودجه با آن موافقت ننمود و قیمت ۳۰۰ ریال را پیشنهاد داده است.

در همین جا باید متذکر شوم که اهدافی که دولت در افزایش قیمت بنزین به دنبال آن است از این طریق محقق نمی‌شود و باید فکرهای اساسی تری نمود. به عنوان نمونه در مورد صرفه‌جویی در مصرف باید عنوان کرد خودروهایی ساخت داخل به صورت نو، به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر مسافت حدود ۱۱ لیتر بنزین مصرف می‌نمایند که پس از گذشت ۲ سال از عمر آنها این رقم به ۱۳ لیتر به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر افزایش می‌یابد. این در حالی است که خودروهایی خارجی به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر مسافت حدود ۶ لیتر و حتی کمتر بنزین مصرف می‌نمایند. اگر این تفاوت را برای حدود ۲ میلیون خودروی سواری در کشور محاسبه نماییم رقم قابل توجهی خواهد شد و شاید اگر این مسئله به نحوی اصلاح شود و ما در ساخت موتور خودرو به حد استانداردهای جهانی برسیم مصرف بنزین در سال‌های آینده به مراتب کاهش پیدا خواهد کرد و ما نه تنها بنزین وارد نمی‌نماییم بلکه قادر خواهیم بود که حتی بنزین را نیز صادر نماییم.

مسائل دیگری نیز که در مجموعه اهداف دولت از گران شدن قیمت بنزین عنوان شده نظیر کاهش قاچاق بنزین، حفظ محیط زیست و... همه از راه‌های دیگری نیز قابل حل هستند و درمان قطعی این مسائل تنها گران شدن بنزین نمی‌باشد و باید به این مسائل در یک مجموعه نگریسته شود و راه‌حل‌های کلان‌تری برای آن ارائه گردد.

اما محور بعدی که قصد دارم در ارتباط با آن صحبت نمایم مسئله اشتغال در لایحه بودجه ۱۳۷۸ است. در مورد اشتغال باید عرض کنم که متأسفانه در سال‌های گذشته به اندازه کافی و مطابق روند برنامه دوم توسعه به آن توجه نشده است به نحوی که در ۴ ساله که از برنامه می‌گذرد فقط حدود ۲۰ درصد از اهداف برنامه دوم در زمینه ایجاد اشتغال محقق شده است. یعنی از ۶۶۰ هزار شغل ارزان قیمت که ایجاد آن به عهده وزارت کار و امور اجتماعی گذارده شده است فقط حدود ۱۳۰ هزار شغل ایجاد شده است. نکته قابل توجه این که با توجه به ارقام نرخ بیکاری در استان‌های مختلف در سرشماری‌های گذشته متوجه می‌شویم که این تعداد شغل ایجاد شده نیز متأسفانه در کشور به صورت یکنواخت توزیع نشده است.

به نظر می‌رسد که دولت در تنظیم لایحه و توزیع اعتبارات استانی باید به نحوی عمل کند که استان‌های محروم در ایجاد اشتغال در اولویت قرار بگیرند. عملکرد بند (ب) تبصره ۴۶ بودجه سال ۱۳۷۶ شاهد مثال خوبی در این زمینه است. براساس بند (ب) تبصره فوق‌الذکر بودجه ۱۳۷۶، در این سال حدود ۲۰۰۸۲ شغل ایجاد شده است که بیشترین آن در استان آذربایجان شرقی است که حدود ۱۳/۲ درصد از کل را شامل شده و کمترین آن در استان ایلام است که فقط ۱ درصد از کل را شامل می‌شود. این درحالی است که نرخ بیکاری در آذربایجان شرقی حدود ۶/۲ درصد و در استان ایلام حدود ۱۶/۵ درصد می‌باشد. همچنین تبصره ۳ قانون بودجه ۱۳۷۶ نیز باعث اشتغال‌زایی در حدود ۲۱۰۲۷ شغل گردیده است. در این مورد نیز بیشترین اشتغال‌زایی در استان گیلان و کمترین آن در ایلام بوده است که به نسبت استان محروم تری است.

به هر تقدیر در این مورد نیز به نظر می‌رسد که توجه به یکنواختی و توزیع اعتبارات به شکلی که میزان اشتغال‌زایی را با توجه به استعدادها و نیازهای هر منطقه سامان دهد و همچنین با اولویت ایجاد اشتغال در استان‌هایی که نرخ بیکاری در آنها تقریباً نزدیک به ۲ برابر نرخ متوسط بیکاری کل کشور است ضروری باشد.